

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## بررسی ساختار تشبیه در مقامات القلوب ابوالحسین نوری

زهرا سادات موسوی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش عرفانی، دانشگاه گیلان

Email: [zahra.mousavi8978@gmail.com](mailto:zahra.mousavi8978@gmail.com)

قربانعلی صنای<sup>۲</sup>

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج

Email: [Ali.sanai1400@gmail.com](mailto:Ali.sanai1400@gmail.com)

### چکیده

تشبیه یکی از شگردهای بسیار رایج بیانی در آثار عرفانی ادبیات فارسی است. عرفا اغلب به وسیله شیوه‌های مختلف بیانی مفاهیم والای عرفانی و تعلیمی را به شکل ملموس و عینی به تصویر کشیده‌اند، به گونه‌ای که مخاطب فارغ از استدلال‌های عقلی پی به منظور اصلی عارف می‌برد. ابوالحسین نوری عارف برجسته سده سوم هجری یکی از نخستین کسانی است که در بیان و انتقال تجربه عرفانی خویش در کتاب مقامات القلوب از عنصر تشبیه بهره برده است. هدف این نوشتار بررسی ساختار تشبیهی این کتاب از طریق روش توصیفی-تحلیلی است، که پس از بررسی مشخص شد، اغلب تشبیهات در این کتاب به اعتبار ارکان، تشبیه بلیغ و به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه، عقلی به حسی هستند.

کلید واژه‌ها: ابوالحسین نوری، مقامات القلوب، انواع تشبیه، تشبیه بلیغ، تشبیه عقلی به حسی

### مقدمه

اساساً زبان عرفان، زبانی شفاف و زودفهم نیست که مفاهیم در آن به سهولت ادراک شوند. اینجاست که عناصر بیانی و صورخیال رسالت انتقال معنی را به عهده می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین صور خیال، تشبیه است. عبدالقاهر جرجانی در اهمیت تشبیه می‌گوید: «نخستین و شایسته‌ترین چیزی که باید در آن به طور کامل اندیشیده و دقت شود، بررسی درباره استعاره و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تشبیه است.» (جرجانی، ۱۳۶۱: ۱۶). عرفا در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تجربیات معنوی و مفاهیم انتزاعی خویش را به وسیله بیانی خاص و تصاویری گویا، ملموس و سهل‌الوصول نمایند. از ابزارهای اولیه‌ای که در این زمینه به یاری آنها شناخته است و نقشی برجسته دارد، همواره تشبیه بوده است. تشبیه را «ابتدایی‌ترین لوازم خیال‌انگیزی و هسته و مرکز اغلب خیال‌های شاعرانه» نامیده‌اند (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۸۱). می‌توان گفت تشبیه یکی از پر بسامدترین ابزار آفرینش تصویر در متون عرفانی بوده است. «تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی.» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۶۶). تصویر استفاده شده در بیان هر هنرمند یا عارف می‌تواند نشانگر افق‌های روحی و ذهنی، جهان‌بینی و شخصیت او باشد. بر این اساس زبان ظاهر، دنیای درون عارف را نمایان می‌سازد. ابوالحسین احمدین‌محمد معروف به نوری، یکی از عارفان برجسته قرن سوم هجری در بغداد است که از شخصیت‌های نسبتاً تأثیرگذار در مکتب تصوف است؛ چنان که نقل‌قول‌های کوتاه و روایاتی که از او در کتاب‌های مختلف ذکر شده است، شاهی بر این ادعا و نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت این عارف و اقوال وی در سیر تکامل عرفان است. نوری روح لطیف و بیان شاعرانه‌ای دارد که از تجارب عارفانه و روحانی خویش اغلب به زبان رمز و تشبیه و استعاره سخن گفته است؛ زیرا تأثیر عاطفی مافی‌الضمیر عارف و شاعری که با تشبیه و استعاره نمایان گردد، بیشتر است و اندیشه‌های وی با دقت و ظرافت بهتری بیان می‌شود و به تبع در جان و روح مخاطب عمیقتر نفوذ می‌کند. رساله مقامات نوری در هیأت تابلویی بیست پرده‌ایست به علاوه یک مقدمه. در تمامی پرده‌ها محور سخن او دل و احوالات مربوط به این لطیفه روحانی است و همان‌گونه که از اسم کتاب هویدا است، مقامات قلب‌های عارفان را تشریح کرده است. یکی از ابزارهای بیانی بسیار مهم نوری در اثر خویش، ابزار تشبیه است که در جهت انتقال تجربه معنوی و همچنین آموزه‌های اخلاقی و عرفانی خود بهره برده است. بنابراین نگارنده در این جستار قصد دارد به روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی، به بررسی و تحلیل تصاویر تشبیهی در مقامات‌القلوب پردازد. مشخص کردن جایگاه تصاویر تشبیهی در تحلیل سبکی این اثر، بسامد نوع تشبیهات به کاررفته و همچنین برجسته‌سازی نقش ابزار بلاغی تشبیه در تکوین زبان عرفانی، از اهداف این جستار است.

## ضرورت تحقیق

ابوالحسین نوری یکی از شخصیت‌های نسبتاً تأثیرگذار عرفان اسلامی در قرن سوم بوده است و ایجاد زبان تمثیلی در عرفان را منسوب به وی می‌دانند؛ تمثیل‌های وی متشکل از تشبیهاتی است که هر دو رکن مشبه و مشبه‌به در آن‌ها ذکر شده است، با توجه به نقش مهم تشبیه و بسامد بالای این ابزار بیانی در زبان عارفان و ابوالحسین نوری، در اهمیت این تحقیق همین بس که با بررسی ابزار تشبیه در زبان این عارف می‌توان به فهم بهتر دقایق سخن و ادراک عمیق‌تر تجربه عرفانی وی نایل شد. همچنین اهمیت این عارف در تکوین و رشد زبان عرفان بر ما نمایان می‌شود. از جهتی دیگر نقش پررنگ ابزار بلاغی تشبیه در شکل‌گیری زبان عرفان در مراحل آغازین آشکار می‌شود.

## پرسش تحقیق

سؤالاتی که در این پژوهش مطرح است، به این قرار است:  
ساختار تشبیه در مقامات‌القلوب ابوالحسین نوری چگونه است؟  
بسامد تشبیه در مقامات‌القلوب ابوالحسین نوری به چه نحو‌ای است؟

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## روش پژوهش

برای بررسی ساختار تشبیهی در مقامات القلوب متن این رساله کم حجم، کامل بررسی گردید و تصویرهای تشبیهی آن استخراج شد. به طور کلی روند این پژوهش مبنی بر سه مرحله است که عبارتست از: ۱- استخراج تصاویر تشبیهی از این کتاب ۲- طبقه بندی تصاویر ۳- تحلیل و بررسی داده‌ها و شواهد که با روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی به بررسی تشبیهات کتاب مقامات القلوب پرداخته شده است.

## پیشینه پژوهش

درباره ابوالحسین نوری و آثار به جا مانده از وی، مقالات اندکی نوشته شده است؛ در هیچ یک از این مقالات به ساختار تشبیهی کتاب مقامات القلوب اشاره‌ای نشده است و ساختار این کتاب را از هیچ منظری بررسی نکرده‌اند. تنها به معرفی و شناساندن جایگاه این عارف و پاره‌ای مسایل دیگر پرداخته‌اند. این مقالات عبارتند از: ۱. امید مجد (۱۳۸۹)، مقاله «جایگاه و آثار ابوالحسین نوری در عرفان» ۲. آن ماری شیمیل (۱۳۷۱)، مقاله «ابوالحسین نوری، قبله انوار» ۳. محسن لطف‌آبادی، رضا هاشمی (۱۳۹۴)، «کنکاشی در روایات محاکمه ابوالحسین نوری» ۴. قدرت‌الله خیاطیان و یاسمن سلمانی (۱۳۹۸)، مقاله «بررسی عوامل زمینه‌ساز معنا در نگرش ابوالحسین نوری و ویکتور فرانکل»، ملاحظه می‌شود که در این مقالات اغلب به اندیشه‌های عارفانه و جایگاه مهم وی در سیر تکاملی عرفان اسلامی پرداخته‌اند و به مبحث صور خیال و زیبایی شناسی مقامات القلوب از جمله بررسی ساختار تشبیهی در این کتاب اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین نوشتار حاضر که تشبیهات این اثر را از لحاظ بلاغی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است، در نوع خود پژوهشی جدید است.

## ۱. بررسی ساختار تشبیه در مقامات القلوب

### ۱.۱ تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه

این نوع تشبیه که مشبه معقول و مشبه به محسوس است، رایج‌ترین نوع تشبیه است، «زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه است و اگر مشبه به محسوس باشد، مشبه معقول به خوبی در ذهن مجسم و تبیین می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۶۳). بیان مضامین عرفانی، اخلاقی و تعلیمی که درون مایه اصلی آثار عرفانی است، برای انتقال پیام به مخاطب الفاظ و مفاهیم عقلی را طلب می‌کند. ابوالحسین نوری کوشیده است تا دل را که امری معقول و عنصری انتزاعی است و حالات و مقامات مربوط به آن را که اموری مفهومی هستند، از طریق مانند کردن به محسوسات که از جهاتی با این عناصر معقول همانند هستند، به ذهن مخاطب و ادراک او نزدیک سازد. یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های هنری کردن تشبیه، برقراری پیوند بین معقولات و محسوسات است، کروچه در این زمینه می‌گوید: «گفته‌اند که تصور آنگاه جنبه هنری پیدا می‌کند که معقولی را به محسوسی پیوند دهد» (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹).

در بررسی تشبیه در مقامات القلوب آنچه که در نگاه اول توجه را جلب می‌کند، مشبه اغلب این تشبیهات یعنی قلب (دل) است. همان‌گونه که از نام کتاب پیداست، ابوالحسین نوری در این کتاب، ابتدا مقامات قلب‌ها را نام برده است و سپس در پرده‌های بعدی اثر، با زبان تشبیه و تمثیل به تشریح و توضیح مقامات قلب پرداخته است. دل در لغت‌نامه دهخدا به معانی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

متعددی از جمله: قلب، فؤاد، خاطر، ضمیر و جان و روان تعریف شده است (دهخدا: «دل»). در نظرگاه عارفان دل لطیفه معنوی و روحانی وجود انسان است که با مرگ او فنا نمی‌پذیرد. وسیله‌ای جهت قرب الی الله و نردبانی برای رساندن آدمی به آسمان وصل و الوهیت. تکرار بیش از چهل بار کلمه دل در این کتاب، نشان دهنده جایگاه مهم این لطیفه نهانی در اندیشه و نگاه وی است. در هر بیست زیر عنوان متن کتاب کلمه قلب و دل محور اصلی است. دل یا قلب از منظر قرآن و در منظومه فکری عارفان بزرگ اسلامی اصل و اساس وجود انسان است. در همه آثار عرفانی نیز آثار اعم از منظوم و منثور دل جایگاه ویژه‌ای دارد. مؤلف مصباح الهدایه درباره دل بیان می‌کند: «مراد از دل به زبان اشارت آن نقطه‌ای است که دایره وجود از او در حرکت در آمد و بدو کمال یافت و سرّ ازل و ابد در او به هم پیوست و مبتدای نظر در وی به منتهای بصر رسید و جمال و جلال وجه باقی بر او متجلی شد.» (کاشانی، ۱۳۸۷: ۶۷۹). در دستگاه فکری ابوالحسین نوری نیز دل مرکز جوشش عواطف و معنا در نهاد آدمی است. میزان تشبیهات عقلی به حسی در مقامات‌القلوب، (۹۵)، مورد است. اکنون با بررسی چند شاهد در این زمینه به بررسی مشبه دل در این کتاب می‌پردازیم.

«صفت خانه دل مؤمن: بدان که خدا، خانه‌ای در درون مؤمن آفریده که قلب نامیده می‌شود و نسیمی از کرمش برانگیخته تا آن خانه را از شرک و نفاق و شکاف پاکیزه سازد.» (نویا، ۱۳۶۸: ۹۵).

در متن فوق دل مؤمن که امری معقول است به خانه که محسوس است، تشبیه شده است که مشبه و مشبه‌الیه به صورت اضافه تشبیهی به یکدیگر اضافه شده‌اند. در ادامه متن ابوالحسین نوری این تشبیه را گسترش داده است تا به این وسیله هم تجربه عرفانی خویش را تفصیل نماید و هم در عینیت بخشیدن آموزه تعلیمی به مخاطب یاری رساند. یا در شاهدهی دیگر آورده است:

«سپس ابری از فضلش فرستاده تا بر آن خانه بیارد و در آن انواع گیاه از قبیل یقین و توکل و اخلاص و خوف و رجا و محبت برویاند.» (همان: ۹۶).

در این مثال نیز طرفین تشبیه معقول و محسوس هستند که مشبه دوباره دل انسان است و مشبه‌به خانه می‌باشد که در این خانه خداوند انواع گیاه یقین و توکل و اخلاص رویانده است. دل در مرکز توجه نگاه نوری قرار گرفته است و احوالات مرتبط با این لطیفه نهانی همچنان در هیأت تشبیه معقول به محسوس به یکدیگر اضافه شده‌اند. در مصداقی دیگر بیان کرده است:

«دلها سه گونه است: یکی دل‌های عاصیان که ویرانه است و جایگاه شیاطین و پر از پلیدی و آلودگی‌ها. دوم دل‌های مطیعان که خانه دانایان و نیکوکاران اخلاصمند است. سوم دل‌های عارفان که خزانه شاهان است و در آن گوهر و در و یاقوت گنجانده شده و خود نگهدار و یار و پاسدار آن است.» (همان: ۱۰۱).

مشبه دل، مشبه‌به‌های: ویرانه، خانه دانایان، خزانه شاهان.

باز در مثال پایین نیز اینگونه آمده است:

«صفت دل‌های دوستان: خدای تعالی به موسی گفت: دلت را برای دوستی من مجرد کن که من دل تو را میدان حب خویش قرار دادم و در دل تو زمینی گستردم از معرفت خویش و خانه‌ای بنا کردم از ایمان به خود.» (همان: ۱۰۷).

مشبه دل، مشبه‌به: میدان، زمین، خانه

در تمامی مثال‌های بالا مشاهده می‌شود که مشبه معقول (دل) و مشبه به اموری محسوس و از عناصر طبیعی هستند که البته تأثیر فراوانی از تصاویر و تشبیهات قرآنی پذیرفته‌اند و این نشان می‌دهد زبان تصویری عارفان در قرون اولیه در مراحل

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تکوین است و هنوز به اوج خود مانند آثار عطار و مولانا نرسیده است. بیان مضامین عرفانی، اخلاقی و تعلیمی که درون مایه اساسی آثار عرفانی است، برای رساندن پیام و انتقال معنا به مخاطب و همچنین بیان تجربه عرفانی عرفا به ابزارهای بلاغی و مفاهیم معقول نیاز دارد و از آنجایی که مخاطبان عرفا اغلب مردم عامی بوده اند و ظرفیت آنها برای درک حقایق اصیل عرفانی متفاوت بوده است، عرفا به ناچار برای بیان تجارب عرفانی خویش از زبان اشارت استفاده نموده اند و مفاهیم را به وسیله زبان تشبیه و تمثیل و تصاویر مجازی، ملموس و عینی ساخته اند تا شراره های سوزان این حقایق جان ناهلان و آنها که صاحب دل نیستند، خاکستر نکند و این گوهرهای ارزشمند معانی عارفانه در دست راهزنان این طریق نیفتد. مجموع این عوامل دست به دست هم داده اند تا زبان عرفان ترکیبی از عبارت و اشارت باشد و تشبیهات معقول به محسوس در این زبان نقش خیلی مهمی ایفا کند. زبان ابوالحسنین نوری نیز از این عوامل مستثنی نبوده است و این نوع تشبیه بسامد بالایی در این اثر دارد. نوری به این اصل که مشبه به باید از مشبه آشکارتر باشد، کاملاً واقف بوده است و مشبه به های واضح و وافی به مقصود آورده است. از سوی دیگر این ساختار تشبیهی نشان می دهد ابوالحسنین نوری هم به حالات درونی و انتزاعی توجهی ویژه دارد و هم به عوالم بیرونی جهان. در عین حال از تکرار مشبه دل در این مصادیق، به جهان بینی این عارف پی می بریم که در دیدگاه وی حالات درونی و عوالم روحانی به ویژه دل محور تجارب معنوی وی و اصلی بنیادین است.

## ۲.۱. تشبیه به اعتبار ارکان

«تشبیه در صورت گسترده و کامل خود جمله ایست که چهار جزء دارد که به آن ارکان تشبیه گویند» (همای، ۱۳۷۴: ۲۳۵). مشبه، مشبه به، ادات و وجه شبه، نام این چهار رکن است. از بین این ارکان حضور مشبه و مشبه به برای شکل گیری ساختار اصلی لازم است و بدون این دو پایه تشبیه بی اساس است؛ یکی از انواع این نوع، تشبیه بلیغ یا (فشرده)، نام دارد.

### ۱.۲.۱. تشبیه بلیغ

«تشبیه را از نظر صوری می توان به دو صورت گسترده و فشرده خلاصه کرد. تشبیهات فشرده تشبیهاتی است که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه به) به صورت یک ترکیب اضافی در می آید» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۸۲). این نوع تشبیه در نهایت ایجاز است و وجود آن در یک متن یا اثر، نشان از قدرت تخیل و آفرینش ذهن نویسنده دارد. «تشبیه بلیغ، تشبیهی است که در آن تنها دو طرف تشبیه یعنی مشبه و مشبه به ذکر می شود که بلاغت و تأثیر زیادی دارد. مبالغه و تأکید در این تشبیه به تناسب ارکان تشبیه بستگی دارد؛ بدین معنا که هر اندازه آثار و علایم تشبیه نامحسوس تر جلوه کند، مبالغه آن در معنا بیشتر است.» (عبدالمطلب، ۱۹۹۷: ۱۳۹). ادعای همانندی و همسان بودن طرفین تشبیه با حذف ادات و وجه شبه بارزتر می شود. بلاغت و تأثیر این سنخ تشبیه به این علت که ذهن مخاطب را برای دستیابی رابطه بین طرفین یا وجه شبه در تشبیه به تلاش بیشتری می کشاند، بیشتر است که نوعی قدرت تخیل و لذت ادبی برای مخاطب به دنبال دارد. «فشرده گی و تراکم تصاویر از ویژگی های تصویر در شعر سنتی است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۰۸). اما با بررسی تصاویر در این کتاب متوجه می شویم این خصیصه در نثر نیز وجود دارد و فقط به شعر اختصاص ندارد. تشبیه بلیغ در مقامات القلوب پرکاربردترین تشبیه است که به دو شکل اضافی و اسنادی ظهور پیدا کرده است. باید گفت نوع اضافی غلبه دارد و تمامی معقول به محسوس هستند. در ادامه به ذکر و بررسی تعدادی از این تشبیهات می پردازیم.

### ۱.۲.۱.۱. تشبیه بلیغ اضافی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تشبیهات بلیغ گاهی به شکل ترکیب اضافی دیده می‌شوند و به علت عدم وجه شبه و ادات تشبیه، خیال‌انگیزی فراوانی در ذهن مخاطب خلق می‌کند؛ معمولاً این تشبیهات نشانگر اقبال شاعر و نویسنده به موجز بودن و پرهیز از اطناب و بلیغ و فصیح سخن گفتن است. در این متن عمدتاً از نوع اضافی است که دو رکن مشبه و مشبه‌به به هم اضافه شده‌اند. در شواهد زیر این نمونه آشکار است:

«خدای تعالی به موسی گفت: دلت را برای دوستی من مجرد کن که من دل تو را میدان حبّ خویش قرار دادم و در دل تو زمینی گستردم از معرفت خویش و در دل تو آفتاب شوق خویش روان ساختم.» (نویا، ۱۳۶۸: ۱۰۳).  
در شاهد بالا تشبیهات میدان حب، زمین معرفت و آفتاب شوق تشبیه بلیغ یا فشرده هستند که به صورت ترکیب اضافی آورده شده‌اند.

در مثالی دیگر: «بدان که خدای تعالی در دل مؤمنان هفت دژ آفریده با هفت دیوار و حصار؛ دژ اول دژ معرفت خداست، محیط بر آن دژ دیگریست که دژ ایمان به خداست. محیط بر آن دژی است از نقره و آن دژ اخلاص در گفتار و کردار است.» (نویا، ۱۳۶۸: ۱۰۴).

در مثال فوق دل به دژ تشبیه شده است از جمله: دژ معرفت خدا، دژ ایمان به خدا و دژ اخلاص در گفتار و کردار که به صورت تشبیه بلیغ و ترکیب اضافی بیان شده‌اند.

یا اینجا در بیان آتش‌های دل عارف، نوری می‌گوید: «در دل عارف چهار آتش هست؛ آتش خوف، آتش محبت، آتش معرفت و آتش شوق.» (همان: ۱۰۶).

آتش خوف، آتش محبت، آتش معرفت و آتش شوق از نوع تشبیه بلیغ و ترکیب اضافی هستند.  
همچنین در توصیف باغ‌های دل عارف نویسنده بیان می‌کند: «دل عارف در سه گونه باغ می‌چرد: یکی در باغ جفا، دیگر در باغ نعمت‌ها و دیگری در باغ حال خوش و آسایش.»  
اضافه‌های باغ جفا، باغ نعمت‌ها و باغ حال خوش و آسایش گواه بر تشبیه بلیغ‌اند.  
و نیز در این شاهد:

«در دل عارف سه نور هست: نور معرفت، نور عقل و نور علم. معرفت چون آفتاب است و عقل مثل ماه و علم مثل ستارگان.» (همان: ۱۰۷)

تشبیهات نور معرفت، نور عقل، نور علم، سه تشبیه بلیغ متعارف و معروف در قلمرو ادبیات است که در فوق مشاهده می‌شود و به صورت مضاف و مضاف‌الیه به یکدیگر اضافه شده‌اند.

## ۲.۱.۲.۱. تشبیه بلیغ غیراضافی یا اسنادی

تشبیه بلیغ غیراضافی از نمونه‌های دیگر تشبیه در این کتاب است که البته بسامد بالایی ندارد و تنها در چند نمونه به کار رفته است که در پایین بیان می‌شود:

«خدای را در روی زمین بوستان‌هایی است که هر که آن را بویید، هوس بهشت نکرد و آن دل‌های عارفان است.» (نویا، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

مشبه دل‌های عارفان و مشبه‌به بوستان‌ها، که بین آنها رابطه اسنادی برقرار است.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

« دلها سه گونه است: یکی دل‌های عاصیان که ویرانه است. دوم دل‌های مطیعان که خانه دانایان و نیکوکاران است. سوم دل‌های عارفان که خزانه شاهان است.» (همان: ۱۰۱)

مشبه دل‌های عاصیان و مشبه به ویرانه، مشبه دل‌های مطیعان و مشبه به خانه دانایان و نیکوکاران، مشبه دل‌های عارفان و مشبه به خزانه شاهان که به یکدیگر اسناد داده شده‌اند.

شاهدی دیگر:

«مثال قلب مؤمن چون خانه‌ای است که دو در دارد: یکی رو به دنیا راه دارد و یکی رو به آخرت. اولی عبرت است و دومی فکرت. و بر تخت پادشاهی نشسته است با دو وزیر، آن شاه یقین است، وزیر دست راستش خوف و وزیر دست چپش رجاء» (نویا، ۱۳۶۸: ۱۱۳).

مشبه قلب مؤمن، مشبه به خانه دو در.

در تشبیهات بلیغ فوق، علاوه بر تطابق و هماهنگی کلام با تجربه عارف و دلالت بر حسن و لطافت و بلاغت تشبیهات با حذف ادات و وجه شبه، به نظر می‌رسد هدف عارف از این گونه بیان، تأکید بسیار در همسانی و نزدیکی مشبه که همان دل و عوالم آن است با مشبه به‌های متفاوت و محسوس می‌باشد و ادعای اتحاد دو رکن تشبیه در این تشبیهات به اوج رسیده است و تفضیل مشبه به بر مشبه گویا کم‌رنگ شده و هر دو طرف با یکدیگر در همه خصوصیات مساوی هستند، به گونه‌ای که می‌توان گفت مشبه همان مشبه به است. البته شایان ذکر است، محوریت دل و احوالات آن در این نوع تشبیهات در این کتاب و مثال‌های فوق کاملاً مشهود است و این لطیفه نهانی و عروج آن به مدارج بالاتر تمام دغدغه ابوالحسن نوری و منظر نگاه وی در این کتاب است. در تحلیل تشبیه بلیغ در کلام نوری نکته‌ای مهم باید ذکر شود، از آنجایی که همه عارفان در بیان تجربیات خود به سبک بلاغی و مضامین قرآن نظر داشته‌اند و در قرآن تشبیه بلیغ دارای تکرار است، درخور ذکر است، نوری در کلام خود و تفهیم مقصود به مخاطب و بیان اندیشه‌های خود تأثیر فراوانی از قرآن پذیرفته است. هم در فرم ظاهری تشبیهات و هم در حیطه محتوایی تشبیهات. در جمع‌بندی مطالب این قسمت باید گفت با بررسی نوع تشبیه در کتاب مقامات‌القلوب پی به بسامد بالای این نوع تشبیه بردیم و می‌توان گفت حدود دو سوم از تشبیهات (۱۱۵) در این رساله کم‌حجم، از نوع بلیغ (فشرده) هستند. گویا نقش مهم تصویرآفرینی و انتقال معانی در این رساله بر عهده تشبیه بلیغ است.

## ۳.۱.۲.۱. تشبیه مفرد به مفرد

نکته قابل ذکر درباره تشبیه بلیغ در این اثر و مثال‌های بالا کاربرد فراوان تشبیه مفرد به مفرد است که یکی از ویژگی‌های این نوع تشبیه در این کتاب است که به علت بسامد بالای آن می‌توان گفت ویژگی سبکی اثر است. ظاهراً ایجاز و اختصار بیانات عرفا و آثار عرفانی، صور خیال در این نثر شاعرانه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ارکان تشبیه بر حسب افراد و ترکیب ممکن است با یکدیگر تفاوت داشته باشند و از این نظر هر تشبیه به اقسام مختلفی چون مفرد، مقید و مرکب تقسیم می‌شود.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«در تشبیه مفرد، تصور و تصویر یک هیأت، یا یک چیز است مثل: گل، جام، دزد و ...» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۷۱). تعدادی از این ترکیبات مانند: مهر خوف، بند پروا پیشگی و ... در مثال‌های زیر قابل مشاهده است:

«و مهر خوف بر زبانش می‌گذارد تا جز به خوف سخن نگوید و بر چشمش تا جز به خوف ننگرد و بند پروا پیشگی بر دلش نهد تا جز از دست خدا چیزی نگیرد» (نویا، ۱۳۶۸: ۱۰۹).

«و در باران رحمت چهار چیز هست: رعد هیبت، برق شوق، بارش کرامت و نسیم آسایش» (همان: ۱۱۷). رحمت که عنصری انتزاعی و مفرد است به باران تشبیه شده است که باز به مشبه‌هایی مجزا از قبیل هیبت، شوق، کرامت و آسایش تقسیم شده است و مشبه‌به‌های: رعد، برق، بارش و نسیم که از پدیده‌های طبیعی هستند.

## ۳.۱. تشبیه به اعتبار موضوع مشبه به

مشبه به یکی از دو رکن اصلی تشبیه است و بر همین اساس یکی از انواع تقسیم‌بندی تشبیه به اعتبار موضوع مشبه به است. تشبیهات نوری به اعتبار موضوع مشبه به بیشتر بر پایه معقول به محسوس ساخته شده‌اند و عناصر محسوس اغلب پدیده‌های طبیعت مانند بستان، باغ، کوه، دریا و ... است که در بیان او ابزاری است در جهت تفهیم تجارب و مفاهیم والای عارفانه.

### ۱.۳.۱. عناصر طبیعی

طبیعت و مظاهر آن همواره یکی از منابع الهام‌بخش و خاستگاه تصویرآفرینی شاعران و عارفان بوده است. در متون عرفانی ادبیات فارسی، توجه عارفان به مظاهر طبیعت درخور توجه است. این عناصر در دیدگاه هر عارفی رنگ و بوی عقاید و جهان‌بینی آن عارف را گرفته است. علاقه به این جلوه‌های طبیعی و نمود این عناصر در مقامات‌القلوب، نیز نقش چشمگیری دارد و یکی از مهم‌ترین و پرسامدترین عناصر تصویرسازی در این اثر است. وی در خلق تصاویر ذهنی خویش و بیان حالات و عوالم دل، از مظاهر طبیعت بهره گرفته است که در هیأت مشبه به ظاهر شده‌اند. در این قسمت شواهدی دال بر این نوع تشبیه ذکر می‌شود.

این عناصر عبارتند از:

«آفتاب شوق» (نویا، ۱۳۶۸: ۹۵)، «ابر تفکر» (همان، ۹۸)، «جویباران دقایق علم ازلیت» (همان، ۱۰۲)، «آتش خوف» (همان، ۱۰۳)، «آتش محبت» (همان، ۱۰۵)، «باغ جفا» (همان، ۱۰۹)، «باغ نعمت‌ها» (همان، ۱۰۵)، «دریای ربوبیت» (همان، ۱۰۶)، «دریای مهمنیت» (همان، ۱۱۰)، «باران رحمت» (همان، ۱۱۷)، «میوه عبرت» (همان، ۱۱۸)، «میوه نزدیکی و دیدار» (همان، ۱۱۴)، «درخت هوی و هوس» (همان، ۱۱۷)، «درخت معرفت» (همان، ۱۱۱)، «بستان توحید» (همان، ۱۱۳)، «بستان سخاوت» (همان، ۱۱۶)، «نسیم حجاب» (همان، ۱۱۹) و غیره ...

همان گونه که در بالا ملاحظه می‌شود، توجه عارف به عناصر طبیعی و جلوه‌های طبیعت در این تصاویر نمود بارزی دارد. «استحاله نویسنده در طبیعت از ویژگی‌های تصویر رمانتیک است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). این تصاویر در قالب مشبه به جای گرفته‌اند. استفاده وافر از عناصر طبیعت در جایگاه مشبه به در این کتاب و زبان عرفا و ملموس نمودن مفاهیم عرفانی به وسیله این عناصر، مصداقی از کلام فتوحی است. عرفا خود را جدا از طبیعت نمی‌بینند که این بیانگر باور وحدت‌گرایانه آنهاست. در باور ابوالحسین نوری نیز این گونه است. این مشبه‌به‌های طبیعی در انتقال مقصود، بیان را غنی‌تر و اثربخش‌تر کرده‌اند. تصاویر در زاویه دید او غالباً بدیع و خلاقانه نیست. طبیعت و مظاهر آن در ذهنیت این عارف علاوه بر آنکه

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

معلول ذوق شاعرانه و لطافت احساسات وی است، می‌توان گفت نوع نگاه او به جهان و طبیعت، همچون دیگر عارفان، نگاهی برگرفته از فرهنگ اسلامی و تعابیر و توصیفات قرآنی است. گویی در تجربه و نگاه نوری انسان و جهان یک کل یکپارچه است و او یکسره در طبیعت حل شده است. این پدیده‌های طبیعی هر لحظه دنیای تازه‌ای برای وی نمایان می‌کنند. هر چند تصاویر از شگفتی و غرابت بالایی برخوردار نیستند اما دید عارف یک دید تکراری و مستعمل نیست و از تصاویر در زبان و بیان خود به شکل نمادین و منحصر به فرد استفاده کرده است. از آنجایی که در عقیده عرفا عرش الهی، جایگاه قلب آدمی است و دل محل اشراق نور الهی است، اندیشه محوری ابوالحسین نوری در کتاب مقامات، شناساندن لایه‌ها و عوالم پنهانی این جایگاه محبت الهی است که با بهره‌گیری از مشبه به عناصر طبیعی از عهده این امر مهم به زیبایی و مهارت تمام بر آمده است.

## ۴.۱. تشبیه به اعتبار موضوع مشبه

### ۱.۴.۱. مفاهیم مجرد و انتزاعی

نوری در مقامات القلوب مفاهیم انتزاعی و مجرد مانند معرفت، توحید، هوی و هوس و ... را در جایگاه مشبه به کار برده است؛ به علت پیچیدگی و ابهام ذاتی تجارب عارفانه و همچنین هدف عرفان که خودسازی و خودشناسی است، بدون شک مفاهیم انتزاعی ارزش مهمی در نظام عرفانی داراست و عرفا از جمله نوری سعی در انتقال و عمق بخشیدن به این گونه مفاهیم از طریق ابزارهای بیانی به ویژه تشبیه و استعاره در اقوال خود هستند؛ در رساله حاضر این مضامین گاهی در قالب مشبه و گاهی مشبه به ظاهر می‌شوند که می‌توان گفت حدود یک سوم تشبیهات کتاب را شامل می‌شود. برخی از شواهد عبارتند از: «نهال معرفت» (نویا، ۱۳۶۸: ۹۷)، «قندیل‌های فضل» (همان، ۹۸)، «کشت صدق» (همان، ۱۰۳)، «بار مناجات» (همان، ۱۰۴)، «چشمه‌های واردات» (همان، ۱۰۶)، «بحر فکر» (همان، ۱۰۸)، «باد منت» (۱۱۰)، «باب عزت و خواری» (۱۱۳) و ...

## ۲. بسامدگیری

ساختار کلی مقامات القلوب در کل تشبیهی و بر پایه تمثیل بنا نهاده شده است؛ نوری مراحل یا مقاماتی را که قلب برای صعود به سمت خدا باید پشت سر گذارد را با بیانی جذاب، شاعرانه و با استفاده از صور خیال تشبیه و استعاره شرح داده است. ابتدا وی تشبیهاتی کلی مانند تشبیه قلب به خانه را بیان می‌کند و در ادامه‌ی اقوال خود آن تشبیهات را به اجزای کوچکتری تقسیم می‌کند و از دل آنها تشبیهات انتزاعی و معقولی خلق می‌نماید. کل تشبیهات این کتاب «۴۸۷» عدد است؛ پربسامدترین نوع تشبیه در این اثر ابتدا تشبیه بلیغ «۱۱۵» است که در دو نوع اضافی «۶۷» و اسنادی «۴۸» است. در مرتبه‌ی بعدی تشبیه به اعتبار عقلی یا حسی بودن مشبه دارای بسامد بالایی است که تعداد آن «۹۵» تا است. تشبیه مفرد به مفرد نیز دارای «۷۲» مصداق است؛ تشبیهات دارای مشبه به پدیده‌های طبیعت می‌باشند که دارای «۴۰» بسامد است و در آخر تشبیه به اعتبار مفاهیم مجرد در قالب مشبه، (۵۰) عدد می‌باشد. جدول انواع تشبیه و بسامد آنها در زیر ترسیم شده است:

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جدول (۱) انواع تشبیه و بسامد آن در مقامات القلوب ابوالحسین نوری

نوع تشبیه	بسامد
تشبیه بلیغ	۱۱۵
تشبیه بلیغ اضافی	۶۷
تشبیه بلیغ غیراضافی	۴۸
تشبیه عقلی به حسی	۹۵
تشبیه مفرد به مفرد	۷۲
تشبیهات دارای مشبه به عناصر طبیعی	۴۰
تشبیهات دارای مشبه مفاهیم انتزاعی	۵۰

## نتیجه گیری

یکی از مهم ترین یافته های تحلیل های بلاغی، پی بردن به خصایص سبکی و فکری هر نویسنده و عارف است. از طریق بسامدگیری می توان به درک دقیق تر نوع سبک و شخصیت و جهان بینی و تجربه عارف دست یافت. در این پژوهش ساختار تشبیه و انواع آن در کتاب مقامات القلوب ابوالحسین نوری بررسی شد. در یک دسته بندی کلی تصاویر به دو نوع فشرده و غیرفشرده تقسیم شدند. کاربرد تشبیهات فشرده (بلیغ) در این کتاب بیشتر از تشبیهات غیرفشرده است به گونه ای که می توان آن را ویژگی برجسته این متن منثور دانست. تشبیه بلیغ در این اثر بسامد بالایی دارد و به دو صورت اضافی و غیراضافی به کار رفته است. ویژگی های این نوع تشبیه در این متن عبارتند از: (۱) تأثیرپذیری فراوان از تشبیهات بلیغ قرآنی هم از لحاظ بلاغی و هم محتوایی؛ (۲) مشبه این تصاویر دل و عوالم آن هستند؛ (۳) کاربرد فراوان تشبیه بلیغ مفرد به مفرد؛ (۴) نقش مهم تشبیه بلیغ در رساندن معنا و بیان تجربه عرفانی عارف. در این بررسی، تشبیهات از نظر معقول و محسوس بودن طرفین تشبیه، همه تشبیهات عقلی به حسی هستند که با محتوا و درونمایه متن و ذات تجربه عرفانی عارف مرتبط است. بیان و توضیح مضامین عرفانی، اخلاقی و تعلیمی به اصطلاحات و ترکیبات معقول نیاز دارد، همین امر موجب ازدیاد مشبه به عقلی در متون عرفانی و این متن است. در بررسی تشبیه به اعتبار موضوع مشبه به کاربرد عناصر طبیعی در جایگاه مشبه به فراوان است. این امر نشأت گرفته از دیدگاه وحدت گرایانه عارف است که همه جهان را یک کل منسجم و هماهنگ می بیند و انسان و جهان هستی را از هم جدا نمی داند. در کل ابزار تشبیه در بیان ابوالحسین نوری در این کتاب به منظور انتقال تجربه عرفانی وی و تعلم مضامین عرفانی، اخلاقی و تعلیمی است.

## منابع

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

- پورنامداریان، تقی، **سفر در مه**، تأملی در شعر شاملو، انتشارات کارنامه، تهران، ۱۳۷۴.
- تفتازانی، سعدالدین، **مختصر المعانی**، انتشارات دارالفکر، تهران، چ ۸، ۱۳۸۳.
- جرجانی، عبدالقاهر، **اسرار البلاغه**، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
- شمیسا، سیروس، **بیان**، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۲.
- عبدالمطلب، محمد، **البلاغه العربیه قرائه آخری**، المصریه العالمیه النشر، لبنان، ۱۹۹۷ م.
- فتوحی، محمود، **بلاغت تصویر**، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۵.
- کاشانی، عزالدین، **مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه**، مقدمه، تصحیح و توضیح جلال الدین همایی، انتشارات هما، تهران، ۱۳۸۷.
- کروچه، بندتو، **کلیات زیبایی شناسی**، ترجمه فؤاد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴.
- نویا، پل، **تصحیح مقامات القلوب**، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، مجله معارف، شماره های ۱-۲، فروردین، آبان، ۱۳۶۸.
- همایی، جلال الدین، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، انتشارات هما، تهران، ۱۳۷۴.

## Examining the structure of similes in Abul Hossein Nouri's Mahkam al-Qulub

Zahra Sadat Mousavi<sup>1</sup>

Ph.D. student of Persian language and literature, mystical orientation, Gilan University

Email: [zahra.mousavi8978@gmail.com](mailto:zahra.mousavi8978@gmail.com)

### Abstract

Simile is one of the most common methods of expression in the mystical works of Persian literature. Mystics have often depicted high mystical and didactic concepts in a concrete and objective form through different ways of expression, so that the audience can find out the main purpose of the mystic without rational arguments. Abul Hossein Nouri Arif, a prominent scholar of the third century of Hijri, is one of the first people who used the element of simile in the book of Maqal al-Qulub in expressing and conveying his mystical experience. The purpose of this article is to investigate the simile structure of this book through the descriptive-analytical method, which was determined after the review that most of the similes in this book are rational to sensual based on the validity of the elements, eloquent similes, and the sensory or intellectual validity of the sides of the simile.

**Keywords:** Abol-Hossein Nouri, Majal al-Qulob, types of similes, Eloquent similes, Intellectual-sensual similes.